

سال‌نمای امنیت ملی
جمهوری اسلامی ایران
تحولات راهبردی ۱۳۹۴
چشم‌انداز ۱۳۹۵

زیر نظر شورای نویسندگان



شورای همکاری خلیج فارس

مقدمه

شورای همکاری خلیج فارس به مثابه اتحادیه منطقه‌ای متشکل از همسایگان جنوبی ایران، پس از بهار عربی به مهم‌ترین بازیگر تحولات جهان عرب و حتی جهان اسلام تبدیل شده است. با افول قدرت کشورهایمانند مصر، سوریه، عراق و لیبی اعضای این شورا در سایه قدرت اقتصادی، حمایت‌های غرب و ثبات رژیم‌های سیاسی در تحولات منطقه نقشی محوری یافته‌اند. از این رو، غالب تصمیمات و مصوبات اتحادیه عرب و اتحادیه کشورهای اسلامی با خواسته‌ها و برنامه‌های این کشورها منطبق است. با این حال، این کشورها هراسان از دخالت‌های خارجی، سایه تهدید و تغییر را بر سر خود احساس می‌کنند. این کشورها همواره از آن بیم داشته‌اند که از جانب همسایگان قدرتمند خود مورد تعرض قرار گیرند و این ترس بنیادین، عاملی مهم در شکل‌دهی به سمت و سوی سیاست خارجی و حتی داخلی آنان است. ترس از ایران در کنار ترس از دیگر همسایه قدرتمند این کشورها یعنی عراق که بر برخی کشورهای منطقه مانند کویت ادعای سرزمینی داشته و در گذشته همواره آن‌ها را مورد تهدید قرار می‌داد، سبب همگرایی این کشورها در قالب ائتلاف و اتحادیه منطقه‌ای شده است. هرچند ترس از ناپایداری داخلی و اعتراض مخالفان سیاسی داخلی که تصور می‌شد در شکل‌دهی و تشدید آن نیز ایران و عراق نقش دارند، در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است. از این رو، شورای همکاری خلیج فارس در برابر تهدیدات همسایگان شمالی و پویش‌های مدنی داخلی رویکردی هم‌سو و یکپارچه را در پیش گرفته است.

با این حال شورای همکاری خلیج فارس به رغم هم‌سویی‌ها، اتحاد یا ائتلاف منسجمی به شمار نمی‌رود و ناهم‌سویی در مواضع و سیاست‌های اعضای این شورا روز به روز بیشتر می‌شود. از این منظر، در بسیاری از موارد و مسائل به دشواری می‌توان از کلیتی به نام شورای همکاری خلیج فارس سخن



گفت. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، در شکل‌گیری این شورا سه تهدید مشترک نقش کلیدی داشتند. در این میان، تهدید عراق به شکل سنتی آن از میان رفته و بر خلاف گذشته که سایه تهدید این کشور همواره بر سر اعضای شورا سنگینی می‌کرد، امروزه صحنه سیاست عراق به فضایی برای نقش‌آفرینی و دخالت اعضای این شورا تبدیل شده است. درباره دیگر تهدید اعراب یعنی ایران نیز در درون شورا نظرات و رویکردهای مختلفی وجود دارد. در حالی که در یک سر طیف، سلطان‌نشین عمان روابط بسیار حسنه‌ای با ایران دارد و خود را از مناقشات اعضای شورا با ایران کنار کشیده و غالباً درصد تطبیف دیدگاه‌های موجود در شورا درباره ایران برمی‌آید، عربستان سعودی در سالیان اخیر تقابلی فراگیر را با ایران آغاز کرده که در این تقابل، حاکمان بحرین را نیز در کنار خود دارد. در میانه طیف، امارات متحده عربی به دلیل ادعای سرزمینی بر بخشی از خاک ایران، در تلاش است هم‌سویی کلی خود را با عربستان نشان دهد. این در حالی است که مناسبات این کشور، به‌ویژه در زمینه اقتصادی، مانع از دنباله‌روی این کشور از سعودی‌ها شده است. دو عضو دیگر این شورا یعنی قطر و کویت نیز به رغم پرهیز از ایجاد تنش با عربستان بر سر مسائل منطقه‌ای، در تلاش اند مشی خود را به عمان نزدیک کرده و استقلال رأی خود را در قبال همسایگان و مسائل منطقه‌ای حفظ کنند. مکتب مالی قطر و روابط حسنه با کشورهای منطقه‌ای و غربی، حمایت از اخوان المسلمین و بلندپروازی‌های امرای این کشور سبب ناخرسندی عربستان از حاکمان دوحه شده است. کویت که بیش از قطر خود را با تهدیدات منطقه از جمله مخاطرات صادره از عراق، اعم از حمله نظامی یا انتشار ناامنی مواجه می‌بیند، درصد است موجبات نارضایتی سعودی‌ها را فراهم نیاورد. با این حال، در سال ۱۳۹۴ این کشور سیاست نسبتاً مستقل‌تری را در مسائل منطقه از جمله بحران سوریه، امنیت منطقه و روابط با ایران در پیش گرفته است. در عرصه داخلی نیز وضعیت این کشورها متفاوت است. در حالی که در کویت و امارت متحده عربی شهروندان آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی بیشتری دارند، عربستان، بحرین و قطر هنوز نرمشی در برابر جامعه مدنی از خود نشان نداده‌اند. با همه تفاوت‌های موجود در ساختار سیاسی، این کشورها در سال ۱۳۹۴ در بسیاری از موارد دیدگاه مشترکی داشتند.

برآورد ۱۳۹۴

سال ۱۳۹۴ برای اعضای شورای همکاری خلیج فارس ترکیبی از یکپارچگی و ناهم‌سویی بود. از این رو، تحلیل وضعیت همبستگی میان این کشورها و کارآمدی این نهاد منطقه‌ای مستلزم بررسی مسائل کلان و روندهای موجود در این شورا است. بنابراین، در وهله نخست به روندهای داخلی اعم از مسائل موجود در هریک از کشورها و مسائل داخلی اعضای شورا پرداخته و در مرحله بعد، رویکرد و جایگاه این شورا و اعضای آن در قبال مسائل منطقه‌ای بررسی خواهد شد.

با این حال شورای همکاری خلیج فارس به رغم هم‌سویی‌ها، اتحاد با ائتلاف منسجمی به شمار نمی‌رود و ناهم‌سویی در مواضع و سیاست‌های اعضای این شورا روز به روز بیشتر می‌شود.

بحران جانشینی، مسائل مدنی، چالش‌های اقتصادی و امنیت، مهم‌ترین مسائل داخلی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در سال گذشته بود. اگر امیرنشین قطر که در آن انتقال قدرت با موفقیت انجام شد را مستثنا کنیم، سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با بحران جانشینی و چالش انتقال قدرت مواجه‌اند. در این میان، عربستان سعودی و عمان دو کشوری هستند که وضعیت بغرنج‌تری دارند. ملک سلمان ۸۰ ساله و سلطان قابوس ۷۵ ساله بیمارند و در هر دو کشور نگرانی‌هایی درباره جانشینی آن‌ها وجود دارد. در عربستان، اگرچه اختلاف‌های داخلی مزید بر ناتوانی پادشاه شده و سیاست‌های جسورانه مسئولان اجرایی جدید، کشور را در معرض آسیب‌پذیری قرار داده، اما رویه‌های نسبتاً نهادینه‌شده‌ای درباره انتقال قدرت وجود دارد. از همین رو، عربستان توانست پس از مرگ ملک عبدالله فرایند گذار را طی کند، هرچند برخی کارشناسان آشفتگی موجود در سیاست خارجی این کشور را از عوارض انتقال قدرت در این کشور می‌دانند. در عمان، وضعیت مبهم و پیچیده است. سلطان قابوس در فرایندی پیش‌بینی‌نشده و نامرسوم با کودتا علیه پدرش تاج سلطنت را بر سر نهاد و از آن زمان تا کنون کلیه امور کشور تحت کنترل وی بوده و برخلاف سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس، ولیعهدی نیز ندارد. در سال ۱۳۹۴، اقامت هشت‌ماهه سلطان در آلمان برای درمان بیماری خود، نگرانی‌ها درباره آینده سلطنت در عمان را افزایش داد. «فهد بن محمود آل سعید» در مقام دستیار سلطان و رئیس دولت عمل می‌کند، اما وی به دلیل آنکه از شاخه‌ای دیگر از خاندان سعید است و همسری فرانسوی دارد، از شانس اندکی برخوردار است. از همین رو، بیم آن می‌رود که با مرگ وی میان اعضای خاندان سلطنتی، میان صاحبان مناصب که از خاندان سلطنتی یا وابستگان تیمور نیستند و فرماندهان ارتش درباره حاکم جدید کشور اختلاف نظر پیش آید.^۱ این در حالی است که تحولات سال ۲۰۱۱ نشان داد هرچند اداره کشور به دستور متخصصان و فن‌سالاران است و غالب وزرا از خاندان سلطنتی نیستند، اما سلطان حداقل به آن میزان که در رسانه‌ها عنوان می‌شود، در بین نسل جوان محبوب نیست. کویت نیز اگرچه از سازوکارهای قانونی و رویه‌های نهادینه‌تری برخوردار است، اما حاکمان این کشور نیز در نهمین دهه عمر خود به سر می‌برند. با این حال، اهمیت جانشینان ملک سلمان و سلطان قابوس در جهت‌گیری کلی شورای همکاری خلیج فارس و تحولات این دو کشور از اهمیت بیشتری برخوردار است.

مسائل مدنی، دموکراسی، انتخابات و نحوه برخورد با گروه‌های اپوزیسیون نیز از چالش‌های اعضای شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۳۹۴ بود. به بیان دیگر، نبود رویه‌های دموکراتیک در انتقال قدرت و

بحران جانشینی، مسائل مدنی، چالش‌های اقتصادی و امنیت، مهم‌ترین مسائل داخلی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در سال گذشته بود.

۱. طبق قانون اساسی عمان، شورای سلطنتی متشکل از خاندان سلطنتی حاکم موظف است تا سه روز پس از مرگ سلطان، حاکم جدید برای کشور انتخاب کند و اگر اعضای شورای سلطنتی بر سر انتخاب جانشین سلطان به توافق نرسند، شورای عالی دفاع عمان هر کس را که سلطان در نامه خود آن را به عنوان جانشین خود تعیین کند، برای آن پست تأیید می‌کند. این شورا متشکل از مسئولان نظامی، امنیتی و رؤسای دادگاه‌های عالی و دو رئیس شوراهای مشورتی است. تنوع اعضای این شورا درباره کارکرد آن در زمان انتخاب سلطان جدید تردیدهایی ایجاد کرده است.



مشارکت‌ندادن شهروندان در تصمیم‌گیری برای امور کشور معضلی است که کمابیش همه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با آن مواجه‌اند. در سال ۱۳۹۴ در حالی که کویت، قطر و عمان سالی آرام را طی کردند، عربستان سعودی و بحرین با چالش‌هایی در این زمینه مواجه بودند. این دو کشور که از سوی مجامع حقوق بشری به دلیل برخوردهای نامناسب با مخالفان مورد انتقاد بودند، همچنان سیاست گذشته خود را دنبال کردند. در عربستان، سخت‌گیری بر شیعیان ادامه یافت و نمر باقر النمر روحانی شیعی و فعال مدنی گردن زده شد. با این حال، سال ۱۳۹۴ نقطه عطفی در تاریخ عربستان است، زیرا در این سال برای نخستین بار زنان وارد عرصه انتخابات شدند و در انتخابات شوراها به آنان حق رأی اعطا شد و این تحولی بنیادین در عربستان محسوب می‌شود.^۱ در بحرین نیز حکومت به برخورد قهرآمیز با اپوزیسیون این کشور ادامه داد و شیخ علی سلمان از سران اپوزیسیون با تعویق چندباره محاکمه وی همچنان در بازداشت است. این در حالی است که دستگیری و شکنجه فعالان شیعه و در پی آن تظاهرات شیعیان همچنان ادامه دارد. عمده درآمد کشورهای حاشیه خلیج فارس به منابع نفتی متکی است. از همین رو، با کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی، این کشورها با کسری بودجه مواجه شدند. عربستان سعودی برای دومین سال پیاپی با کسری بودجه روبه‌روست. در سال ۲۰۱۵، عربستان ۳۶۷ میلیارد ریال سعودی، معادل ۹۸ میلیارد دلار کسری بودجه داشت. سعودی‌ها برای سال ۲۰۱۶ انتظار کسری بودجه‌ای معادل ۳۲۶ میلیارد ریال سعودی پیش‌بینی کرده‌اند. البته، در محاسبه بودجه، قیمت نفت بیش از ۴۰ دلار در نظر گرفته شده و این امر نشان می‌دهد این کشور با کسری بیشتری مواجه است. کارشناسان علاوه بر کاهش نفت، پاداش‌ها و هدایای ملک سلمان به مردم پس از به تخت نشستن و هزینه‌های بالای نظامی، از جمله هزینه مداخله در یمن را از دلایل کسری بودجه عربستان می‌دانند. به دنبال اعلام کسری بودجه عربستان برای دومین سال پیاپی و همچنین تداوم کاهش قیمت نفت، برای چند ماه شاخص کل بازار بورس عربستان روندی نزولی داشت. اگرچه عربستان ۷۳۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی دارد، اما کارشناسان بر این باورند چنانچه بی‌سامانی در قیمت نفت و ماجرایی در سیاست خارجی عربستان تداوم داشته باشد، ذخیره‌های ارزی این کشور در سال ۲۰۲۰ به پایان خواهد رسید. هم‌اکنون یک چهارم بودجه این کشور صرف مخارج دفاعی و امنیتی می‌شود. این کشور برای جبران کسری بودجه قیمت سوخت را ۵۰ درصد افزایش و مالیات بر ارزش افزوده را در دستور کار قرار داد. علاوه بر عربستان، کویت، امارات متحده عربی و بحرین نیز با کسری بودجه مواجه‌اند. این کشورها یارانه‌های دولتی به‌ویژه در بخش سوخت و انرژی را کاهش داده و

۱. بر خلاف عربستان، زنان در سایر کشورها عضو شورا از برخی آزادی‌های مدنی برخوردارند و حتی در عمان، امارات متحده عربی، کویت و بحرین به مقام وزارت نیز رسیده‌اند. هم‌اکنون در امارات هشت زن، عمان دو زن و در کویت، قطر و بحرین نیز یک زن وزیرند. امارات در سال ۱۳۹۴ تعداد وزرای زن را از سه به هشت افزایش داد. با این حال، برخی از این وزارتخانه‌ها ماهیتی تشریفاتی دارند.

اصلاحات اقتصادی را در دستور کار قرار داده‌اند. امارات که کشور پیشتاز در کاهش یارانه‌ها و افزایش قیمت سوخت بود، اعلام کرد برنامه‌ای برای کاهش وابستگی به نفت با هدف دستیابی به اقتصادی پایدار برای نسل‌های آینده دارد. عمان نیز علاوه بر افزایش قیمت سوخت، توسعه فعالیت‌های گردش‌گری را برای کاستن از میزان وابستگی به نفت در دستور کار قرار داد. امیر کویت نیز که کشورش ۵۹۲ میلیارد دلار ذخیره ارزی دارد، دستور داد بودجه دیوان امیر و نهادهای وابسته به آن کاهش یافته و کاهش یارانه‌های برق و بنزین بررسی شود. بیم آن وجود دارد که تداوم کاهش درآمدها و به دنبال آن سیاست‌های ریاضتی و حذف یارانه‌ها، تغییرات اجتماعی و سیاسی را در پی داشته باشد.

مسائل امنیتی به‌ویژه جلوگیری از اقدامات گروه‌های تروریستی نیز از چالش‌های اعضای شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۳۹۴ بود. در گذشته بیشتر تهدیدات امنیتی در این منطقه متوجه قدرت و جایگاه حاکمان بود و گروه‌های تحول‌خواه و پویش‌های دموکراسی‌خواهانه مهم‌ترین منابع تهدید بودند، امری که هنوز در کشوری مانند بحرین مهم‌ترین تهدید تلقی می‌شوند. با این حال، در سال ۱۳۹۴ تحرکات و اقدامات گروه‌های تکفیری و تروریستی نیز به دل‌مشغولی‌های امنیتی حاکمان منطقه افزوده شد. در این سال، در حالی که بحرین همچنان درگیر تقابل با گروه‌های تحول‌خواه شیعه بود و حکومت این کشور در صدد بود با زندانی کردن مخالفان داخلی و سلب تابعیت مخالفان خارجی اعتراض‌ها را مهار کند، عربستان سعودی و کویت هدف حملات گروه‌های تروریستی قرار گرفتند. این در حالی است که در عربستان شعله اعتراض‌ها در مناطق شیعه‌نشین شرق این کشور به‌ویژه در شهر قطیف و شهرک عوامیه همچنان روشن است. عملیات انتحاری در مساجد شیعیان عربستان و کویت، کشتن چندین پلیس سعودی در استان ریاض و کشف یک گروه تروریستی در کویت، نه تنها حاکمان بلکه شهروندان این دو کشور را نیز نگران کرد. این در حالی است که مناطق جنوبی عربستان به دلیل حملات خمپاره‌ای ارتش یمن و شیعیان حوثی ناامن بود. گروه تروریستی داعش مسئولیت بمب‌گذاری‌های انتحاری مساجد شیعیان را بر عهده گرفت. با این حال، درباره افراد مسلحی که در کویت دستگیر شدند، اختلاف نظرهایی وجود دارد. به رغم سکوت مقامات بلندپایه کویت و دعوت کردن مردم و رسانه‌ها به صبوری تا پایان بازجویی‌ها، رسانه‌های کویتی این گروه تروریستی را به حزب الله لبنان و ایران منتسب کردند. با توجه به بهبود روابط ایران و کویت و سفر امیر کویت به تهران، گمان آن می‌رود که منتسب کردن این گروه به ایران و حزب الله، تاکتیکی رسانه‌ای برای جلوگیری از تقویت روابط دوجانبه از سوی گروه‌های نزدیک به عربستان در دولت کویت باشد. حملات تروریستی به کویت و عربستان در حالی صورت گرفت که میل اعضای شورا به خرید تسلیحات نظامی در سال ۱۳۹۴ همچنان ادامه یافت و در این ارتباط، اعضای شورا با ایالات متحده، انگلیس و فرانسه مذاکرات موفقیت‌آمیزی داشتند.

اختلاف‌های اعضای شورا با یکدیگر نیز در سال ۱۳۹۴ ادامه یافت. اختلاف‌های مرزی و بی‌طرفی نسبت



حملات تروریستی به کویت و عربستان در حالی صورت گرفت که میل اعضای شورا به خرید تسلیحات نظامی در سال ۱۳۹۴ همچنان ادامه یافت و در این ارتباط، اعضای شورا با ایالات متحده، انگلیس و فرانسه مذاکرات موفقیت‌آمیزی داشتند.

به تحولات داخلی کشورها مهم‌ترین زمینه‌های این اختلاف‌هاست. مشی بی‌طرفانه عمان و میل کویت به درپیش گرفتن سیاستی مانند عمان همچنان مورد انتقاد سعودی‌ها و بحرینی‌ها بود. عمان در بحران سیاسی بحرین، حمایتی از خاندان آل خلیفه نکرد. کویت نیز به بی‌تفاوتی درباره امور داخلی شورا متهم است، زیرا حاضر به پشتیبانی نظامی از آل خلیفه نشد. کویتی‌ها، سعودی‌ها را نیز در بحران یمن تنها گذاشتند و روابط کویت و عربستان به دلیل اختلاف بر سر مالکیت میان نفت و گاز «الدره» در سال ۹۴ به سردی و تنش گرایید. فعالیت در حوضه الدره به دلیل اختلاف طرفین متوقف شد و این امر موجبات نارضایتی سعودی‌ها را در پی داشت، چنانکه «محمد بن سلمان» جانشین ولیعهد و وزیر دفاع عربستان، کویت را به اشغال و الحاق آن به خاک کشورش تهدید کرد. وی نه تنها این دو میدان نفتی، بلکه تمام کویت را به لحاظ تاریخی بخشی از سرزمین عربستان دانست. بن سلمان نسبت به ادعای کویت برای جبران خسارت‌های ناشی از توقف بهره‌برداری از چاه نفتی خفجی توسط عربستان گفت: «ما کویت را از چنگال صدام نجات دادیم و الان چه کسی او را از دست ما رها خواهد کرد. کویت هیچ دلیلی برای برتری بر ما ندارد و کشوری است که یک‌چهارم ریاض وسعت دارد». از سوی دیگر، بسیاری از تحلیل‌گران عرب با تأکید بر هویت عوامل انتحاری مسجد امام صادق (ع) بر این باورند که انفجارهای تروریستی کویت، انتقام سعودی‌ها از این کشور به دلیل عدم همراهی کویت با آن‌هاست. امیر کویت نیز که به نظر می‌رسد از سیاست‌های متکبرانه سعودی‌ها ناراضی است، در نیمه خرداد ۱۳۹۴ در سفری کم‌سابقه عازم تهران شد تا به توازن و استقلال در روابط خارجی خود دست یابد. با این حال، شناسایی یک گروه تروریستی در کویت در مردادماه و منتسب کردن آن به ایران از سوی برخی رسانه‌ها و کنش‌گران اهل سنت، مانع گرمی روابط دو طرف شد.

رویکرد منطقه‌ای

مسئله چگونگی مواجهه با ایران، تحولات عراق و سوریه و تحولات یمن، مهم‌ترین مسائل منطقه‌ای فراوری شورای همکاری خلیج فارس بود. فارغ از بیانیه‌های تکراری شورا که معمولاً تقابل و نكوهش سیاست خاورمیانه‌ای ایران بخشی جدایی‌ناپذیر از آن‌هاست، نوع مواجهه هر یک از اعضای آن با کشورمان با توجه به جهت‌گیری کلی سیاست خارجی کشورها، روابط فی‌مابین، بحران‌های منطقه و تحولات داخلی این کشورها متفاوت است. عربستان به عنوان بزرگترین عضو این مجموعه، داعیه رهبری جهان اسلام و عرب، شورای همکاری خلیج فارس و جزیره العرب را دارد و به مثابه پدرخوانده در این شورا عمل می‌کند. هم‌سویی با غرب با هدف ثبات رژیم در ریاض، حمایت از کشورهای عربی، حمایت از اهل تسنن و حفظ ساختارهای سنتی، بنیادهای سیاست خارجی این کشور را شکل می‌دهد. از همین رو، در مسائلی مانند آنچه دخالت در جهان عرب، تحریک مخالفان حاکمان منطقه و سیاست‌های فرقه‌گرایانه می‌داند، با ایران تقابل دارد. سیاست خارجی بحرین ضمن نگاه به غرب در هم‌سویی کامل

با عربستان بوده و هدف از آن حفظ ساختار سیاسی و تضمین تداوم حکمرانی رژیم آل خلیفه است. از همین رو، کشمکش با ایران بخشی از مسائل روزمره دستگاه دیپلماسی بحرین است. عمان به عنوان موجودیتی اباضی مذهب^۱، خود را از دعوای مذهبی در منطقه کنار کشیده و در کشمکش های سیاسی عمدتاً بی طرفی مثبت اختیار کرده، بدین گونه که در پی ایفای نقش میانجی برمی آید. اگرچه در میان کشورهای عرب منطقه به سبب آنچه تکروری این کشور عنوان می شود، نارضایتی هایی درباره مواضع عمان وجود دارد، اما کشورهای غربی و ایران نقش این کشور در تحولات منطقه ای را سازنده دانسته و با این کشور روابط حسنه ای دارند. این کشور به طور سنتی نقش میانجی را در میان ایران و غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا ایفا می کند. سیاست خارجی قطر نیز بر مبنای بلندپروازی امرای این کشور و هم سویی با غرب و کشورهای مانند ترکیه و جانب داری از اسلام گرایان اخوانی استوار است. قطری ها با اتخاذ مشی عمل گرانه، هنر خود را در تغییر و ترمیم روابط به خوبی نشان داده اند. با این حال، روابط این کشور با عربستان در سال ۱۳۹۴ چنان گرم نبود. کویت به دلیل وجود اپوزیسیونی قدرتمند در این کشور، پاسخ گویی دولت و ضعف ژئوپلیتیکی، هم سویی با جریان غالب در جهان عرب و هم پیمانی با غرب را در دستور کار قرار داده است. با این حال، ملاحظات منطقه ای و عوامل یادشده مانع از آن شده که دنباله رو اعراب باشد. از همین رو، در سال ۱۳۹۴، روابط این کشور با ایران و حتی سوریه رو به بهبود بوده است. سیاست خارجی امارات نیز تابعی از مؤلفه هایی مانند سنت گرایی، عرب گرایی و مهم تر از همه اقتصاد است. تضمین ثبات سیاسی، پویایی اقتصادی و کسب حمایت اعراب در مواجهه با ایران، سیاست خارجی این کشور را شکل داده است. با این حال، تقابل با ایران تنها در موضوع ادعای ارضی این کشور بر جزایر ایرانی خلاصه شده و بیشتر کارکردی داخلی داشته و با هدف انسجام بخشی سیاسی صورت می گیرد. روابط این کشور با ایران به ویژه در عرصه اقتصادی گویای این موضوع است. اولویت دادن مسائل اقتصادی گاه این کشور را حتی با عربستان وارد چالش کرده است. در سال ۱۳۹۴، مسئله هسته ای و حمله به سفارت عربستان دو محور اصلی اختلاف های ایران و شورای همکاری خلیج فارس بود. این در حالی است که موضوع اختلاف بر سر جزایر سه گانه و یمن نیز بر روابط طرفین اثرگذار بود. موضوع جزایر سه گانه به دلیل تکراری بودن ادعاها فاقد ضرورت برای بررسی است. از این رو، در ادامه اختلاف های اعضا با ایران و سیاست های آنها در قبال بحران یمن نیز بررسی خواهد شد.

توافق هسته ای میان ایران و ۵+۱ حساسیت ها و تردیدهایی را میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس درباره آینده حمایت غرب از آن ها و اهمیت و جایگاه آن ها در سیاست خاورمیانه ای غرب در پی داشت. به استثنای عمان که به دلیل روابط حسنه و راهبردی با ایران نقش سازنده ای در پیشبرد

۱. اباضیه اقلیت مذهبی کوچک و ریشه دار تاریخی است که از آن به عنوان مذهب سوم در اسلام یاد می شود. پیروان اباضیه تابع هیچ یک از مذاهب تشیع و تسنن نیستند و فقها این مذهب را ادامه آیینی مبتنی بر برداشت خوارج معتدل از اسلام می دانند.



توافق هسته‌ای داشت، سایر اعضای شورای همکاری از این توافق و جایگاه ایران در منطقه پس از آن، بیمناک بودند. از همین منظر می‌توان اعضای شورا را به دو گروه موافقان و مخالفان توافق ایران و ۱+۵ تقسیم کرد. همان‌طور که بیان شد، عمان تنها عضو شورا بود که در صف موافقان توافق هسته‌ای بود. پنج عضو دیگر شورا در جهت‌گیری کلی مخالف توافق بوده و نگرانی خود را از حصول توافق و آنچه باز شدن دست ایران در تحولات منطقه می‌دانستند، ابراز می‌کردند. هرچند دامنه مخالفت اعضا با یکدیگر متفاوت بود. به گونه‌ای که می‌توان کویت را بازیگری نگران و عربستان و بحرین را بازیگرانی مخالف نامید که از هیچ تلاشی برای جلوگیری از توافق فروگذار نمی‌کردند. موفقیت لابی‌های سعودی و فشارهای اعضای شورا سبب شد آمریکا در نشست در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴ در کمپ دیوید سران اعضا را درباره توافق قانع کند. در این نشست که پادشاه عربستان به نشانه اعتراض در آن شرکت نکرد، آمریکا برخی تضمین‌های امنیتی به اعضای شورا از جمله درباره حمله خارجی و تقابل با ایران داد؛ چنانکه در بیانیه پایانی این نشست اشاره شد که «آمریکا و اعضای شورای، با فعالیت‌های ایران در برهم زدن ثبات منطقه مخالف‌اند و برای مقابله با آن همکاری خواهند کرد». با این حال، آمریکا آن‌ها را به تعامل با ایران دعوت کرد که این موضوع نیز در بیانیه پایانی نشست انعکاس یافت: «دو طرف بر لزوم تعامل با ایران در منطقه بر اساس اصول حسن هم‌جواری، دخالت نکردن در امور داخلی دیگر کشورها و احترام به تمامیت ارضی آن‌ها مطابق با قوانین بین‌المللی و منشور سازمان ملل و اقدام این کشور (ایران) به برداشتن گام‌های عملی و عینی برای ایجاد اعتماد و حل اختلاف‌های خود با همسایگانش از روش‌های صلح‌آمیز، تأکید کردند». مباحث مطرح‌شده در این نشست به‌جز عربستان سایر اعضا را قانع کرد. پس از دستیابی به توافق نیز اعضای شورا ابراز امیدواری کردند که این توافق به «تقویت صلح و امنیت در منطقه» کمک کند. پس از توافق هسته‌ای، دستگاه دیپلماسی کشور توسعه روابط با همسایگان را در دستور کار قرار داد. در این راستا، اعضای شورای همکاری خلیج فارس از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند. اعلام آمادگی ایران برای توسعه روابط از یک سو و اعلام مقامات روسی و آمریکایی مبنی بر اینکه اعراب باید مشکلات خود با ایران را از طریق گفتگو حل کنند، فضای امیدوارکننده‌ای را برای گفتگو میان طرفین به وجود آورد. در این میان، سفرهای وزیر امور خارجه کشورمان به قطر، کویت و عمان در نیمه نخست مردادماه و دو مرحله دیدار و رایزنی با مقامات قطری در چهارم و ۱۱ مردادماه، سبب شد قطر در نشست شورای همکاری پیشنهاد گفتگو بر سر مسائل مورد اختلاف با ایران را مطرح کند. این پیشنهاد که پیش از این از سوی وزیر امور خارجه عمان طرح شده بود، با موافقت ضمنی کویت همراه شده و موضع این سه کشور خشم مقامات عربستان، بحرین و امارات را برانگیخت. مخالفت این سه کشور با گفتگوهایی که ایران آن را «گفتگوی گروه ۷» نامید و اختلاف‌ها بر سر مسائل منطقه‌ای مانع از توسعه روابط شد و حتی مقاله وزیر امور خارجه در چهار روزنامه الشروق مصر، السفير لبنان، الراي

کویت و الشرق قطر و پیشنهاد توسعه روابط و ایجاد «مجمع گفتگوی منطقه‌ای در خلیج فارس» نیز توانست به بهبود روابط بیانجامد. در حالی که رایزنی‌های بین‌المللی از جمله تلاش‌های قطر و عمان برای گفتگو میان ایران و اعراب ادامه داشت، شهادت شمار زیادی از حجاج ایرانی در نتیجه اهمال کاری سعودی‌ها در فاجعه منا، منجر به تیرگی روابط ایران و عربستان شد. به دنبال این رخداد، فضای سردی بر مناسبات ایران و شورای همکاری خلیج فارس غلبه یافت. بی‌نظمی سعودی‌ها و عدم همکاری با ایران برای نجات مصدومان، شناسایی مفقودان و انتقال پیکرها سبب تهدید سعودی‌ها از سوی ایران شد و این اقدام واکنش سایر اعضا را برانگیخت. در حالی که مدت زیادی از بستن پرونده فاجعه منا نگذشته بود، اعدام «نمر باقر النمر» فعال مدنی و روحانی شیعه عربستان با واکنش‌های تند مسئولان و شهروندان ایرانی روبه‌رو شد. متعاقب این واکنش‌ها، حمله نابخردانه برخی گروه‌های تندرو به اماکن دیپلماتیک عربستان در تهران و مشهد و آسیب‌زدن به آن‌ها، محکومیت شدید ایران از سوی اعضای شورای همکاری خلیج فارس را در پی داشت و در نتیجه آن، عربستان و بحرین روابط خود با ایران را قطع کردند، امارات متحده عربی روابط خود را به سطح کاردار کاهش داد و کویت نیز سفیرش را از ایران فراخواند. این موضوع سبب شد روابط دو طرف به پایین‌ترین سطح در سالیان اخیر نزول یابد و تنش‌های لفظی مقامات دو کشور به بالاترین سطح برسد.

علاوه بر این، تحولات سوریه و بحرین و به درجات کمتر عراق و لبنان نیز از منابع تنش در روابط ایران و اعضای شورا است. در واقع، می‌توان ادعا کرد آنچه بر شدت تنش‌های کلامی و اقدامات پس از آن در حادثه منا و سفارت عربستان افزود، بحران‌های سیاسی - امنیتی موجود در منطقه بود که در آن‌ها منافع دو طرف در تعارض با یکدیگر قرار داشت.

در بحران یمن، اعضای شورای همکاری خلیج فارس از موضع واحدی برخوردارند و بر مشروعیت دولت هادی و غیرقانونی بودن تسلط حوثی‌ها بر صنعا و به دنبال آن لزوم کناررفتن و بازگشت دولت قانونی تأکید می‌کنند. از همین رو، در اوایل فروردین ۱۳۹۴، شورا حمله به یمن را مورد تصویب و تأکید قرار داد. کشورهای عضو شورا از یک سو بیم آن دارند که قدرت‌یافتن حوثی‌ها در یمن، همانند حزب الله لبنان به عاملی برای نفوذ ایران در جزیره العرب تبدیل شده و قدرت‌یافتن آنان، شیعیان به‌ویژه در عربستان و بحرین را علیه دولت مرکزی به شورش وادارد. از سوی دیگر، آن‌ها از رشد تروریسم و سرایت ناامنی به کشورهایشان و همچنین ناامنی در مسیر صادرات نفت در دریای عرب، باب المندب و دریای سرخ بیمناک‌اند. علاوه بر این، هریک از این کشورها هم‌پیمانی در یمن دارند که از قضا توسط حوثی‌ها از قدرت رانده شده‌اند. از همین رو، به جز عمان که نقشی بی‌طرفانه و میانجی‌گرانه در پیش گرفته، سایر کشورها در عقب‌راندن حوثی‌ها اشتراک نظر دارند. با این حال، میزان مشارکت آن‌ها، در ائتلاف و کیفیت مداخله نظامی و راه حل نهایی بحران در میان آن‌ها متفاوت است.



عمان که همسایه بلاواسطه یمن است، با اصرار بر راه حل سیاسی، چندین بار در نقش میانجی، میزبان هیئت‌های دیپلماتیک بود. عربستان بازیگر محوری در تهاجم نظامی و جانب‌داری از دولت قانونی است. این کشور میزبان منصور هادی بود و با پافشاری بر تهاجم نظامی توانست بخش قابل توجهی از کشور را از کنترل انصار الله و متحدان آن‌ها خارج کند. بحرین نیز ضمن تبعیت کامل از عربستان در عرصه سیاسی، به تناسب قدرت نظامی خود در حمله به مواضع حوثی‌ها نیز مشارکت داشت. کویت، ضمن تأکید بر مشروعیت هادی، تنها به چند پرواز نظامی اکتفا کرد و پس از آن در موضع‌گیری‌های منفرد بر راه حل سیاسی تأکید دارد. قطر و امارات متحده عربی نیز به رغم همراهی کلی با عربستان در عرصه نظامی و سیاسی، هریک اهداف خود را پیگیری می‌کنند. دوحه در پی تقویت گروه‌های اخوانی و حزب اصلاح در یمن است که بر خلاف بیشتر شاخه‌های اخوان المسلمین، روابط حسنه‌ای با سعودی‌ها دارد. در مقابل، اماراتی‌ها ضمن مخالفت با اخوانی‌ها، پنهانی از علی عبدالله صالح دیکتاتور سابق و فرزندش حمایت کرده و درصددند با حضور نظامی نسبتاً چشمگیر خود مانع آن شوند که عربستان تنها بازیگر صحنه یمن شود. برای مثال، پس از بازپس‌گیری عدن از حوثی‌ها، حکومت هادی «نایف البکری» عضو اصلاح را به فرمانداری شهر عدن برگزید، اما این انتصاب موجبات نارضایتی اماراتی‌ها را فراهم کرد و اختلاف‌های دو طرف به متزلزل‌شدن جایگاه وی و در نتیجه پیش‌روی تکفیری‌ها در عدن و ناامنی در این شهر انجامید. سعودی‌ها پیش از بحران یمن در پی اجرای پروژه کلان «مدینه النور» بودند. هدف از این پروژه که با کارکردهای دبی و مساحت دو برابر آن طراحی شده بود، ایجاد بندری بود که گلوگاه‌های اقتصادی شاخ آفریقا و کشورهای شبه‌جزیره عرب را به هم مرتبط سازد. کارشناسان معتقدند هدف اصلی امارات در یمن و حضور پررنگ این کشور در کرانه‌های دریای عرب و تقویت گروه‌های مخالف عربستان، جلوگیری از اجرای این پروژه بوده است. با این حال، نباید از تمایل اماراتی‌ها برای تسلط و اجاره جزیره منحصر به فرد سقطری در دریای عرب غافل بود. در عراق، اگرچه اعضای شورای همکاری همچنان بر مشارکت بیشتر اهل سنت تأکید دارند، اما پس از روی کار آمدن حیدر العبادی و اوج‌گرفتن خطر داعش، از ایجاد ثبات در عراق استقبال می‌کنند. با این حال، اعضای این شورا از قدرت ایران در عراق و نفوذ رو به رشد آن در میان اعراب شیعه بیمناک‌اند و از همین رو، از تقویت ارتش عراق و تشکیل نیروی گارد ملی از میان اهل سنت و تقویت موضع کردها برای ایجاد تعادل در صحنه سیاسی و ژئوپلیتیکی عراق حمایت می‌کنند. این در حالی است که آن‌ها همچنان متحدان خود به‌ویژه اعراب سنی و کردها را مورد حمایت قرار می‌دهند و در این راستا به نظر می‌رسد با هدف تجزیه عراق، اعضای شورا، مخالفتی با تقویت کردها و توسعه مناسبات سیاسی و تجاری با آن‌ها نخواهند داشت، چنانکه عربستان سعودی و امارات متحده عربی میزبان مسعود بارزانی بوده و امارات، قطر و کویت سرمایه‌گذاری قابل توجهی در اقلیم کردستان کرده‌اند. ابتکار عمل حیدر العبادی که منجر به بهبود روابط عراق و عربستان شد و بازگشایی سفارت

در بحران یمن، اعضای شورای همکاری خلیج فارس از موضع واحدی برخوردارند و بر مشروعیت دولت هادی و غیرقانونی بودن تسلط حوثی‌ها بر صنعا و به دنبال آن لزوم کنار رفتن و بازگشت دولت قانونی تأکید می‌کنند.

عربستان در عراق را پس از ۲۵ سال در پی داشت، دخالت سعودی‌ها را در این کشور کاهش داد. با این حال، قطر همچنان از گروه‌های شورشی و آن‌گونه که برخی مقامات عراقی می‌گویند عناصر وابسته به داعش حمایت می‌کند و از همین رو، روابط دو کشور در سال ۱۳۹۴ به تنش انجامید. با این حال، میزان انتقاد و هم‌سویی آن‌ها در میان کشورها متفاوت است. عربستان و بحرین همچنان بدبینانه به نفوذ ایران در عراق می‌نگرند. امارات متحده عربی و قطر بیشتر در پی هم‌سویی با غرب و مشارکت در طرح‌های غربی برای حل بحران عراق اند و عمان نیز موضعی بی‌طرف دارد. با توجه به تهدیداتی مانند رشد تروریسم و تجزیه عراق، به نظر می‌رسد امکان شکل‌گیری ائتلافی که در آن ایران و اعضای شورا در کنار یکدیگر مشارکت داشته باشند، وجود دارد. عمل‌گرایی دولت عبادی و تلاش دولت وی برای جلب مشارکت اهل سنت، بستری مناسب برای چنین همکاری است، اما در شرایط فعلی به نظر نمی‌رسد اعضای شورا حاضر باشند برای بهبود وضعیت عراق مشارکت مالی و نظامی چشم‌گیری داشته باشند. با این حال، تغییر وضعیت و یورش داعش به اعضای شورا و حتی اردن می‌تواند آن‌ها را برای مشارکت جدی‌تر در حل بحران عراق به‌ویژه بیرون‌راندن داعش مصمم کند.

اعضای شورا در سوریه، فاقد رویکرد واحدی بودند. در حالی که کویت و عمان، دولت سوریه را به رسمیت می‌شناسند و به دنبال راه حل سیاسی برای حل بحران در این کشورند، عربستان و به تبع آن بحرین هر گونه راه حل سیاسی را منوط به کناررفتن اسد از قدرت می‌دانند. قطر نیز در پی همراهی با غرب و بهبود روابط خود با مسکو از مجرای حل بحران سوریه است. در مردادماه ۱۳۹۴، تلاش‌هایی از سوی ایران، روسیه، عمان و آمریکا برای حل بحران سوریه با مشارکت عربستان صورت گرفت. نشست وزیران خارجه آمریکا، روسیه و عربستان در ۱۲ مردادماه در دوحه تلاشی برای حل این بحران بود. در ادامه، پس از نشست سه‌جانبه میان وزیر خارجه سوریه با معاونان وزرای خارجه ایران و روسیه در تهران در ۱۳ مردادماه، ولید المعلم ۱۵ مردادماه عازم عمان شد و با همتای عمانی خود دیدار کرد. سفر وزیر خارجه سوریه به عمان نخستین سفر یک مقام سوری به کشوری عربی پس از شروع بحران این کشور است. متعاقب این اقدامات، «علی مملوک» مدیر سازمان امنیت ملی سوریه در جده با حضور مسئولان روسی با محمد بن سلمان دیدار کرد. منابع رسانه‌ای و دیپلماتیک عربی، خروج نیروهای حزب الله لبنان و مستشاران نظامی ایران و کلیه شبه‌نظامیان شیعه از سوریه را یکی از شروط عربستان برای حمایت خود از پروسه صلح و دست‌برد داشتن از حمایت شبه‌نظامیان سنی عنوان کردند. در ادامه، اما عادل الجبیر وزیر امور خارجه عربستان ۲۰ مردادماه در مسکو، کناره‌گیری اسد را نیز به عنوان یکی از شروط حمایت عربستان از روند صلح در سوریه عنوان کرد، امری که با واکنش روس‌ها و سوری‌ها همراه شد. سعودی‌ها پس از ناامیدی از برکناری اسد، در آذرماه میزبان گروه‌های سیاسی - نظامی سوری مخالف دولت از جمله احرار الشام و جیش الاسلام، با هدف سازمان‌دهی آن‌ها در نشست ژنو ۳ بودند. در شورای همکاری، عربستان، امارات و تا حدی قطر در پی آنند که برخی گروه‌های تروریستی مانند

در عراق، اگرچه
اعضای شورای همکاری
همچنان بر مشارکت
بیشتر اهل سنت تأکید
دارند، اما پس از روی
کار آمدن حیدر العبادی
و اوج گرفتن خطر
داعش، از ایجاد ثبات در
عراق استقبال می‌کنند.



احرار الشام در مذاکرات ژنو به عنوان نماینده مردم سوریه حضور داشته باشند. همچنین، انگیزه‌هایی قوی در میان دولت‌مردان سعودی برای مداخله نظامی در سوریه وجود دارد و به نظر می‌رسد در صورت پیش قدم‌شدن سعودی‌ها، بحرین، امارات متحده عربی و قطر نیز آنها را همراهی کنند.

تحولات لبنان، دیگر موضوع مورد اختلاف ایران و اعضای شورای همکاری خلیج فارس است. در این زمینه، نقش‌آفرینی اصلی به عهده عربستان و قطر است. اگرچه با توجه به بحران‌های منطقه، تحولات لبنان در حاشیه قرار گرفته، اما حمایت اعضای شورا از هم‌پیمانان خود به‌ویژه شخصیت‌هایی مانند سعد حریری و فؤاد سنیوره در سال ۱۳۹۴ همچنان ادامه دارد. در این میان، حمایت قطر از سمیر جعجع سبب اختلاف این کشور با عربستان شده است. به طور کلی، روابط شورای همکاری و لبنان به دلیل عدم همراهی دولت لبنان با مواضع ضد ایرانی اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی تیره شد.

در نتیجه تغییرات
جسورانه در سیاست
خارجی عربستان، رویکرد
محافظه کارانه جای خود
را به رویکرد تهاجمی و
ماجراجویانه داده و در
این میان، تقابل سیاسی-
نظامی در قالب جنگ
نیابتی با ایران در دستور
کار عربستان قرار گرفته
است.

برآورد مقایسه‌ای

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۳۹۴ در ظاهر همان رویه سال ۱۳۹۳ را دنبال کردند که در آن راهبرد کلی، تلاش برای نزدیک‌شدن هر چه بیشتر کشورهای منطقه از طریق تشریک مساعی و توسعه ساختارهای نظامی، اقتصادی و سیاسی واحد است. با این حال، در عرصه عملی، اختلاف‌های داخلی از جمله مسائل سرزمینی، بحران‌های منطقه‌ای و از همه مهم‌تر، تغییرات رأس هرم قدرت در عربستان مانع از آن شد که ۶ کشور عضو شورا بیش از گذشته به هم نزدیک شوند. اگرچه تصویب حمله نظامی به یمن با هدف سرنگونی حوثی‌ها و حمایت از هادی می‌توانست نقطه عطفی در سیاست‌های نظامی شورا به حساب آید، اما عدم همراهی عمان و کویت و یارگیری عربستان از میان سایر کشورهای عربی نشان داد اعضای شورا تمایلی ندارند برای همراهی با عربستان حداقل در مواردی که توجیه منطقی وجود ندارد، منافع ملی و وجهه بین‌المللی خود را مخدوش کنند. با این حال، نباید فراموش کرد که جرقه آتش حمله یمن و نخستین شعله‌های آن حاصل تصمیم مشترک کشورهای عضو شورا بود. نشست کمپ دیوید که در نارضایتی اعضای شورا به جز عمان از نتایج توافق هسته‌ای ایران و غرب برگزار شد، یک دستاورد قابل توجه داشت و آن موافقت آمریکا با بررسی کمک به این کشورها در جهت ایجاد سامانه دفاع ضد موشکی بود. اگرچه استقرار چنین سامانه‌ای مستلزم مشارکت مالی و نظامی است، اما پیش از آن، هم‌سویی سیاسی و درک مشترک از تهدید، چالش‌هایی هستند که فراروی استقرار این سامانه قرار دارند. با این حال، به نظر می‌رسد اعضای شورا در سال ۱۳۹۴ یک گام به پیش رفته‌اند. طرح استقرار چنین سامانه‌ای که نسبت به طرح یک سیستم دفاع نظامی همه‌جانبه در قالب ارتشی واحد هدفی حداقلی است، نشان می‌دهد اعضای شورا حاضر به تبعیت از عربستان و سپردن امنیت دفاعی خود به این کشور نیستند. از همین رو، حاکمان و تصمیم‌سازان جوان سعودی طرح ارتش

متحد عربی و ائتلاف ضد تروریسم را برای یارگیری از میان سایر اعراب مطرح کردند.

از منظر ناهم‌سویی در مسائل سیاسی نیز تحولات منطقه از جمله بحران سوریه، جنگ یمن و تحولات عراق و حتی مسئله مواجهه با ایران نشان داد مواضع اعضا در سال ۱۳۹۴ بیش از سال ۱۳۹۳ از یکدیگر فاصله گرفته است. این امر تا حد زیادی متأثر از تغییرات جسورانه در سیاست خارجی عربستان به عنوان بازیگر محوری شورای همکاری خلیج فارس است. در نتیجه تغییرات جسورانه در سیاست خارجی عربستان، رویکرد محافظه کارانه جای خود را به رویکرد تهاجمی و ماجراجویانه داده و در این میان، تقابل سیاسی - نظامی در قالب جنگ نیابتی با ایران در دستور کار عربستان قرار گرفته است. این در حالی است که اعضای شورا تمایلی برای تقابل نظامی با ایران ندارند. البته در عرصه سیاسی، به‌ویژه پس از حمله به مراکز دیپلماتیک عربستان در ایران، اعضای شورا اگرچه سیاست واحدی در پیش نگرفتند، اما محکومیت اقدام ایران و اقدام به کاهش روابط، نوعی هم‌سویی حداقلی را نشان می‌داد.

به نظر می‌رسد ساختارهای سیاسی، منافع و تهدیدات مشترک عواملی هستند که می‌تواند اعضای شورا را به هم نزدیک کرده و زمینه شکل‌گیری اتحادیه منطقه‌ای همه‌جانبه را فراهم آورد. هم‌اکنون اگرچه به ظاهر همه کشورهای عضو شورا دارای رژیم‌های موناشری هستند، اما تفاوت بسیار زیادی میان کشورهای مانند کویت و عربستان وجود دارد. همچنین، روند تحولات سیاسی در این کشورها نیز متفاوت است. در حالی که کویت به سوی دموکراسی حداقلی در حرکت است، امارات متحده عربی و عمان توسعه لیبرالیسم را در دستور کار قرار داده‌اند. این در حالی است که عربستان نیز ناگزیر به دادن برخی آزادی‌های محدود به شهروندان به‌ویژه زنان شده است. با این حال، این کشور تفاوت زیادی با همسایگان خود دارد. علاوه بر تفاوت در ساختارها، منافع کشورها نیز متفاوت است. با توجه به روندهای موجود از جمله تحولات سال ۱۳۹۴ به نظر می‌رسد عمان، قطر و کویت راه خود را از عربستان جدا کنند. در این میان، این اعضا تهدیدات مشترکی دارند. با وجود تردید برخی اعضا درباره تهدید بودن ایران، پوشش‌های دموکراسی خواهانه و تروریسم وجوه مشترکی هستند که اعضا را به یکدیگر نزدیک کرده‌اند. با این حال، سوء ظن نسبت به منشأ تحرکات تروریستی^۱ مانعی در جهت توسعه ساختارها و اتخاذ سیاست‌های مشترک است.

نکته در خور توجه در ارتباط با اعضای شورای همکاری و به طور کلی منطقه خلیج فارس، آن است که در نتیجه تحولات منطقه از جمله بحران‌های سوریه، یمن و بحرین از یک سو و تشدید تنش‌ها میان ایران و عربستان سعودی و بهبود مناسبات ایران و غرب از سوی دیگر، در برآورد کلی، مناسبات حسنه اعضای شورا و ایران کاهش یافت. در این میان، بهبود و توسعه محسوس روابط اعضا با رژیم صهیونیستی، تنزل جایگاه ایران در اتحادیه کشورهای اسلامی و به خصوص کشورهای منطقه در نتیجه

۱. برای مثال، منابع کویتی و بسیاری از کارشناسان جهان عرب، عربستان را عامل پشت پرده انفجار مسجد امام صادق (ع) کویت می‌دانند.

در نتیجه تحولات منطقه از جمله بحران‌های سوریه، یمن و بحرین از یک سو و تشدید تنش‌ها میان ایران و عربستان سعودی و بهبود مناسبات ایران و غرب از سوی دیگر، در برآورد کلی، مناسبات حسنه اعضای شورا و ایران کاهش یافت.



رایزنی‌های شورای همکاری خلیج فارس، تقویت توان تسلیحاتی اعضا شورا و بروز نشانه‌هایی مبنی بر جدیت برخی کشورهای منطقه برای تقابل با ایران، سبب شده ضریب امنیتی ایران در منطقه خلیج فارس در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۹۳ کاهش یابد.

چشم‌انداز ۱۳۹۵

در صورت استمرار کاهش قیمت نفت، این احتمال وجود دارد که اعضای شورا برای در امان ماندن از اثرات منفی کاهش نفت و کسری بودجه، کاهش یارانه‌ها و افزایش مالیات را در دستور کار قرار دهند. این امر می‌تواند به رکود اقتصادی و نارضایتی اجتماعی در این کشورها بیانجامد. کسری بودجه و کاهش قیمت نفت کشورهای عضو شورا، تغییری در برنامه‌های نظامی و تسلیحاتی، به‌ویژه خرید اسلحه توسط آنان نخواهد داشت. با این حال، افزایش هزینه‌های نظامی ممکن است سعودی‌ها را به سوی فعال کردن گزینه دیپلماسی برای دستیابی به اهداف حداقلی خود در یمن سوق دهد.

موضوع ارتش مشترک از سوی اعضا و عربستان همچنان دنبال می‌شود. با این حال، تحقق این امر بسیار بعید خواهد بود. در عوض، به نظر می‌رسد اعضا گام‌های محسوسی برای استقرار سپر دفاع موشکی بردارند. به رغم اختلاف نظرهای موجود انتظار می‌رود موضع کلی اعضای شورای همکاری در ارتباط با تحولات یمن ادامه یابد. هرچند هر یک از اعضا نیز به موازات هم‌سویی کلی با عربستان، از گروه‌های متحد خود حمایت می‌کند.

موضوع ایران همچنان به عنوان مسئله‌ای اختلاف‌برانگیز در شورا باقی خواهد ماند. با این حال، روابط اعضا با ایران بهبود خواهد یافت.

با توجه به کهولت سن ملک سلمان، احتمال تغییر در رأس هیئت حاکمه عربستان وجود دارد. با این حال، به دلیل برخی انتقادات به عملکرد وی و کارگزاران فعلی، قطعیتی درباره جانشین شدن محمد بن سلمان یا محمد بن نایف وجود ندارد.

عمان همچنان به رویکرد مستقل و روابط حسنه خود با ایران ادامه خواهد داد؛ هرچند بروز تغییرات در رأس هرم قدرت ممکن است جهت‌گیری کلی سیاست خارجی عمان را تعدیل کند.

اشتقاق کویت برای اتخاذ سیاستی مستقل از عربستان در منطقه و در مواجهه با ایران ادامه پیدا خواهد کرد. با این حال، مسائل خارج از کنترل دو دولت مانع از توسعه همه‌جانبه روابط خواهد شد.

با توجه به تحولات منطقه تحرکات تروریستی همچنان در کشورهای عضو شورا ادامه پیدا خواهد کرد. هرچند مناطق شیعه‌نشین و کشورهای عربستان، کویت و بحرین آسیب‌پذیری بیشتر دارند.

با توجه به بن‌بست سیاسی در سوریه، احتمال مداخله نظامی سعودی‌ها با هماهنگی غرب و همراهی ترکیه در سوریه وجود دارد. در صورت حمله عربستان، احتمالاً بحرین، امارات متحده عربی و قطر نیز به فراخور توان خود مشارکت خواهند کرد.